

دور شدن ماهی‌ها از صیدگاه‌های قدیمی، معاش صیادان استان بوشهر را سخت کرده است

ماهیان جنوب آب شدند

صیادان می‌گویند صید غیر مجاز و ترال و کوچ ماهی‌ها، زندگی آنها را نابود کرده است
سال گذشته ۶۳ سانحه دریایی در استان بوشهر اتفاق افتاد که مرگ ۴ نفر و مجروح شدن ۲۴ نفر را به دنبال داشت



ماهیگیران کنگان برای صید ماهی در بزرگترین مصرف‌کننده استان بوشهر، در مسیر دریاچه خلیج فارس، صید ماهی‌ها، صیادان بوشهر

نرگس جودی - شهروند | یکروز خبریچید توی بندر که بالاخره دریا را می‌شود و دو تا جنازه بدون سر تحویل کنگانی هاداد. محمد خوش با چشم‌هاش دیده بود که جنازه سر نداشت و باد کرده بود. ماجرا آذرماه شروع شده بود. گفتند یک لنج صیادی تو بوشهر غیب شده. صبح طوفان شده بود و دریا موج دو لنج صیادی رفته بودند دریا یکی نزدیک بندر تنگستان به گل نشست، اما آن یکی حوالی بندر جفره انگار آب شد و تو دریا گم شد.

محمد و پسر عموها نشتند توی دو تا قایق و آماده رفتن اند. پدر محمد که پسر صیادی است سر می‌گرداند به آسمان و بچه‌ها را می‌سپرد به خدا. آسمان لکهای ندارد اگر ماهی باشد، عصر دو قایق خوشحال و آواز خوان برمی‌گردند به کنگان. اگر نباشد خسته و خواب‌آلود می‌آیند. زمانه صید و دریا فرق کرده بسا روزگار آقای «شناگر»، پدر محمد که «تا ۲۰۰ متری ساحل هم ماهی بود». حالا ماهی‌ها رفته‌اند به آب‌های دور. «فرق شدن، آتش‌سوزی، صید غیر مجاز، آلودگی دریا، کوچ ماهی‌ها، بنزین گران، بیمه نداشتن، صیادی دیگر فایده‌ای ندارد عوامان.»

غرق شدن: مردان در یار نگشتند

آذرماه ۹۶ دو شناور صیادی در آب‌های بوشهر غرق شدند. یکی به گل نشست، یکی ناپدید شد. از هشت خدمه لنجی که ناپدید شد، فقط دو جنازه پیدا شد. ناخدا یا قوت‌وسعدیدری، پنجشنبه طوفان گرفته بود، دریا سعید را ۱۱ روز بعد در ساحل بردخون پس داد.

نخستین سفر ناخدا اصغر بوخالخیری بدون لنج پدر بازگشتی نداشت، پیش از آن که طوفان از تباط رادیویی و مخابراتی لنج یا قوت‌را قطع کند. او از حوالی «مطاف» با خشکی تماس گرفته بود. «بر خورد کردیم به صخره‌ها، به گل نشستیم، لنج شکست. این جا هوا خراب است. معلوم نیست تا کی دوام بیاوریم.» قرار بود ۹ روز در صیدگاه باشند، روز سوم سفر، هوا خراب شد.

تابستان ۹۳ هم در آب‌های جاسک، وقتی موج دریا به یک لنج باری برخورد کرد، در یک چشم به هم زدن همه چیز تغییر کرد و با ۱۰ سرشنش غرق شد. دو ملوان لنج ساعت‌ها شناور بودند تا یک کشتی یونانی رسید و نجات‌شان داد. دو روز بعد صیادها یکی دیگر از ملوان‌ها را پیدا کردند. شناگر می‌گوید وقتی مرد دریا بر نمی‌گردد خانواده تا بد چشم انتظار می‌مانند.

محمد باک بنزین قایق را بر می‌کند. «صید کم شده، صیادها باید مایل‌ها از ساحل دور شوند تا به ماهی‌ها برسند»

برکت از دریاها رفت؟

خلیقه قایق را به پشت خوابانده روی شن‌های ساحل، پشت بازار ماهی فروش‌های بوشهر نوار چسبی وسط قایق فضای دورنگ سفید و آخراهی را جدا کرده، مشغول رنگ کردن است. خلیفه زانیش به ناشکری نمی‌گردد که بگوید ماهی‌ها دریا کم شده «شکر، شکر، بعضی وقت‌ها پول بنزین هم نرسانده. دریا دست خداست، شیلات فکر خودش است. شیلات با اعتراض‌هایم به خاطر صید غیر مجاز می‌گویند دنبال می‌کنیم»

چرا به این کار ادامه می‌دهی، خلیفه؟
«کار دیگری بلد نیستیم. نان زن و بچه باید جمع کنیم به هر زحمت. گل زیاد دارم. شیلات نمی‌گذارد قایق‌ها بی‌سیم بگیرند. هر قایق اجازه یک موتور دارد. می‌گویند با موتور قوی نمی‌توانی بروی دریا. چطور در قایق‌های خارجی، عربی، بدیدیم موتور قوی دارند. اگر دو موتور خراب شود، کسبی به دادمان نمی‌رسد. بعد آن صید کم است نگاه کن آن قایق تو این هوا توری می‌برد با خودش. شب ۳ تا ۴ توری می‌ریزد، شاید صیدی گیرش بیاید بین آن صیادی جزو مشاغل سخت‌نیست کشتی‌رانی ببیند اگر ماچی می‌کند.»

از خوبی‌هاش بگو، چه دارد که تو هم مثل اجادات رو آوردی به دریا؟

«این که آقا اباسر نداریم، هر وقت بتوانیم دریا می‌رویم. امنیتی توانیم خودمان را بیمه کنیم. از سال ۷۵ اول جاشوی لنج بود. خدا را شکر، هفت‌سال کار کردم بعد که سابقه بیمه گرفتیم بدیدیم یک‌سایزیم ریختند. تا همین اجتماعی می‌گویند نمی‌شود. الان قایق بیشتر صیادها به اسم زن‌هایشان است یا خودشان درگیرند یا بیمه. کارفرما هم که فقط وقت دریا را بیمه می‌کند چقدر می‌شود این طور کار کرد.»

رنگ یک طرف قایق تمام شده، صیادها به کمک می‌آیند. قایق خلیفه را بر می‌گرداند. قایق قبلی‌اش کهنه شده بود. چهار، پنج‌سال بیشتر نمی‌شود نگهش داشت زود فرسوده می‌شود.»

صیادان بوشهر یک دشمن مشترک دارند که می‌گویند برکت از دریای‌شان برده صید ترال. «به زبان مامی شود گوچه، مثل جابور پی می‌ماند.»

ترال توری مخروطی در اندازه‌های بزرگ است. با چار طناب ضخیم به لنج یا قایق وصل می‌شود. در قسمت زیرین با زنجیر و تخته گرفته شده، زنجیرها کف دریا کشیده می‌شوند، تخته‌ها دو طرف زنجیرها را از هم باز می‌کنند و بالای زنجیرها و تخته‌ها، چوب‌پنبه‌هایی (تا پول) است که بالای آید و دهانه ورودی گوچه باز می‌شوند و حالت مخروطی می‌گیرند. تور چشم‌هایی (سورخ) ریز دارد که ماهیان کوچک و میگو‌هایی می‌توانند از آن بگریزند.

می‌گویند اگر لنج صیادی در صید چهار روزه با گوچه

۱۲ تن ماهی خراب می‌شود. ما به شیلات هم شکایت کردیم. شرکت‌ها هم که در عسلویه و کنگان تأسیس شدند، صیدگاه را خراب کردند و مرجان‌ها را بین رفتند، ولی به جایش صیدگاه نساختند. در سمت اختر (فاز ۱۲ پالایشگاه) این اتفاق افتاد.»

خلیفه ریزریز توضیح می‌دهد که این ماهی‌های ریز و جلبک‌ها خوراک ماهی‌های بزرگ‌ترند و صید گوچه حیات زیر دریا را دگرگون می‌کند. صیادها چندبار هم به گوچه کشتی اعتراض کرده‌اند اما هنوز نتیجه‌مگر فتاند.

سایت صلوا سیمای بوشهر در توضیح آسیب‌های صید ترال از تحقیقی گفته که از دی ۱۳۸۵ تا دی ۱۳۸۶ در بوشهر انجام شده و نشان داده حدود ۲۹ هزار قطعه ماهی در تور ترال صید شده از ۶۴ گونه و سه گونه میگو. بیشتر گونه‌ها ماهیان غیر اقتصادی و غیر هدف بودند. با وزن پایین و نابالغ.

خلیفه می‌گوید از انتهای خلیج فارس تا بندر عباس صیادهای قاچاقچی صیدی رویه می‌کنند و ما مجبوریم ۷۰ مایل بریوم تا نزدیک خاک عربستان و خطر کنیم. حداقل ۲۰۰ تومن خرج می‌کنیم و می‌رویم. باید صید بیاوریم. بنزین لیتری هزار تومن برای هر صید ۳۰۰ لیتری می‌زیم تا خدا چقدر داخل سفره بیندازد. دلوازی ماهی‌فروشی می‌کند. «سال به‌سال، دریغ از پارسال داستان ما هم همین‌طور شده. آیا واجد ما ۷۰۰ سال صید کردند، اما به آینده هم فکری می‌کردند.»

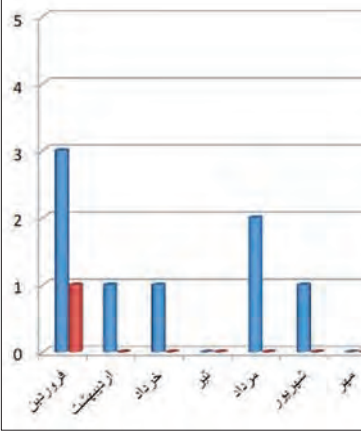
آن سوی اسکله، صیاد قدیمی قایق را با جوهر نمک از جلبک پاک می‌کند. چند سالی است خودش را بازنشسته کرده. «بلا حرمت داشت دریا هر چیزی که زیاد استفاده می‌کنی و ترمیم نداشتی، باشد، به این جای می‌رسد. پدرم می‌گفت قبلا که مردم برای خرید می‌رفتند یک مشت مثلا برنج یا گندم یا هر چه، برمی‌داشتند و از فروشندگی می‌پرسیدند منی چند؟ می‌گفت مثلا ۴ هزار، ماچی می‌کردند و می‌ریختند سر جاش. الان لگدمی‌زند که کیلو چند؟»

۲۰۰ کیلومتر آن سوی بوشهر، صیادان بندر کنگان و عسلویه هم حرف‌های مشترک دارند. اگر در بوشهر صید ترال نفس صیادان را گرفته، در کنگان صید حلقه‌ای، ماهیگیران را بی‌روزی می‌کند. محمود آرامش، نماینده صیادان کنگان نخستین بار این تور را سال ۷۹ دین. «از برج ۱۲ تاراج یک و دو، وقت تخم‌ریزی ماهی‌هاست، اما صیاد غیر مجاز با تور حلقه‌ای که روشانی دارد در همین زمان به دریا می‌رود. ماهی که سنگین است در این تور گرفتار می‌شود. هشت، نه تن ماهی سالم درمی‌آورد،

اما او صید غیر مجاز را رد نمی‌کند: «ممکن است در دریا اتفاق بیفتد، ولی شیلات تدابیری برای کنترل این موضوع دارد. یگان حفاظت منابع آبی فعال است، ضمن این که بعضی مراجع ذیربط مثل دریایانی، نیروی انتظامی و یگان‌های دریایی برای کنترل، مقایسه حضور و تردد غیر مجاز شناورهای وظیفه دارند.» آرامش، نماینده صیادان کنگان می‌خواهد بداند چرا ماهی بیاج به خیال شاخه‌های مرجانی در آن‌جا تخم‌ریزی کنند. تجربه‌ای که در بنادر دیگر تکرار نشد.

صیادانی که در کنار قایق محمد در بندر کنگان مهیای رفتن می‌شوند و آنها که از راه می‌رسند، می‌گویند تعطیلی کوتاه‌مدت و نظارت دوره‌ای دولتی جای‌گیری از

ماهی‌ها و صید غیر مجاز نیست. وقتی برخی مسئولان شهر واسطه قوم و آشنای‌شان می‌شوند و شیلات به آنها اجازه صید بدهد



غیر مجاز به گونه‌های بوده که این نتیجه را داشته، امام‌امیدوار است به رئیس کنونی شیلات کنگان که شاید بتواند ورق را برگرداند و این روند متوقف شود. محمد و دیگر صیادان اما این امید را هم ندارند.

صیاد می‌گوید اوضاع صید خراب است. «درآمد صفر است. کارگر هم نیست، مشتری نیست و گرنه این لنج همسایه را گذاشته‌اند برای فروش. مشتری نیست، بخرد. این یکی را فروختند به ۴۰۰ میلیون تومان در صورتی که موتورش ۲۰۰ میلیون است، مجروش ۲۰۰ و بدنه‌اش ۳۰۰ میلیون ضرر کرده. اما راحت شد. ضرر تلخ است. اما مانند هم‌نگهداری‌اش خرج دارد. می‌گویند ماهی کم شده، خب علتش محیط زیست است. هر چه حرف زدیم حتی یک تومن (یک میلیون تومن) وام ندادند برای لنج. هنوز قسط وام شیلات مانده، باید خانه را بفروشیم.»

زیست‌محیطی صید گاه‌تخریب کرده.»

«ضعیف‌ترین قشر این منطقه صیادان است. نمی‌گذارد قایق را دو موتور به کنیم. ۷۰ مایل می‌رویم. دریا طوفان می‌گیرد چهار نفر خومون هستیم، یک تن وزن قایق، یک تن هم بار، موتور می‌شکند. الان با موتور ۱۱۵ دریا رفتن سخت است. اگر موتور چهار مانه هم قبول کنند، باز هم خوب است، مصرفش نصف این است.»

«من با این قایق خالی و یک تور فقط ماهی تن می‌گیرم. کیلویی ۱۰ هزار تومن می‌فروشیم.»
«صیادها اسکله ندارند. الان کانکس پمپ بنزین این‌جا را تعطیل کرده‌اند. حالا فقط لنج‌های سفراری (تجاری) را اجازه می‌دهند این‌جا بنده‌اند. ۲۰ سال پیش همین پمپ‌های اسکله‌هاش بوده.»

پدر محمد می‌رود روی قایق و موتور را چک می‌کند. محمد می‌گوید دل پدر پریش هنوز پیش دریاست. جست می‌زند روی سکوی اسکله.

پدر جان دریا ترس دارد؟
«دریا هم مثل زمین، ماشینی ترس دارد؟ قایق چپ‌کردن ندارد، اما گاهی خرابی دارد و غرق شدن مثل برج ۹ که قایقی غرق شد و ۸ نفر جوان رفت.»

دریا به دریا، برای روزی

علی عسکرزاده، حسین حیولی، عبدالزهره ناردی و جعفر محمدی که در لنج یا قوت غرق شدند، خوزستانی بودند و پی کار و درآمد به بوشهر آمده بودند. سعید حیدری هم که جسدش دو روز بعد پیدا شد، پیشتر از خوزستان به بوشهر کوچیده بود.

حاج حسین، لنج‌دار قدیمی کنگان هم اهل آبادان است. خیلی سال گذشته از مهاجرت او روی عرشه دو جاشو نشتند و دو پاره شده را با قلاب ترمیم می‌کنند تا روزی که لنج به ناز میان آب بخارند و به صید ماهی برود. سرخو، حلواز، زبیدی، خارو، شیر، کوسه.

حاج حسین چند روزی است لنگر انداخته ناخدا ابراهیم می‌گوید اوضاع صید خراب است. «درآمد صفر است. کارگر هم نیست، مشتری نیست و گرنه این لنج همسایه را گذاشته‌اند برای فروش. مشتری نیست، بخرد. این یکی را فروختند به ۴۰۰ میلیون تومان در صورتی که موتورش ۲۰۰ میلیون است، مجروش ۲۰۰ و بدنه‌اش ۳۰۰ میلیون ضرر کرده. اما راحت شد. ضرر تلخ است. اما مانند هم‌نگهداری‌اش خرج دارد. می‌گویند ماهی کم شده، خب علتش محیط زیست است. هر چه حرف زدیم حتی یک تومن (یک میلیون تومن) وام ندادند برای لنج. هنوز قسط وام شیلات مانده، باید خانه را بفروشیم.»

چند نفری جلوی لنج ایستاده‌اند. یکی می‌گوید علت رفتن ماهی‌ها ارزش زمین ناشی از فعالیت شرکت‌ها نزدیک ساحل است. یکی می‌گوید بر طرف عسلویه کنار جاده بین که گوگرد ریخته‌اند. باران می‌زند و گوگرد به بالا خاک به دریا می‌رسند.

آدم‌باروزی‌اش می‌چرخد

«دریا بیابان شده، مثل طیس». این حرف رحمان است که از روستای رمین چهار به کنگان آمده، دریا به دریا، او هم دریا عمان را دیده و هم بیابان هامون را. حاج حسین می‌گوید این جا قبلا ماهی آکواریومی بود، مرجان بود که مرجان‌ها سفید شدند، شاخ گوزنی‌ها و ماهی‌ها مردند. «موبایل این پسر و بوبین نشانت می‌دهد که ماهی‌ها چطور مردند و مابدیخت شدیم.»

امروز تا نبود لنج ناخدا راهی دریا نشود. یخ خرید، خوراک خرید، اما کارگری برای دریا رفتن پیدا نکرد. «ها چهار، پنج نفر نمی‌شود رفت دریا.»

پسر موبایلش را خاموش می‌کند. «ما با این ماهی‌ها شنای می‌کردیم. تاراج ۳ پارسال، تا ۱۰ کیلومتری اسکله هر ۱۰۰ متر ماهی زیادی می‌دیدم، امسال هر ۲۰۰، ۳۰۰ متر تا ۱۰ ماهی دیدم.»

ناخدا از اول سسال تا امروز چقدر این لنج درآمد داشته؟

«اول سسال تاراج ۶ که فصل میگو هم داشت، هر نفر ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومن گیرمان آمد. از برج ۶ تا الان که برج ۱۱ است، حساب کردیم نفری ۴۰۰ هزار تومن در آورديم. فقط توانستیم قبض برقی و آب را بدهیم. ما حاضریم قرض مردم را بدهیم و خلاص شویم. این از کار ما، بچه‌های مان که توی شرکت هستند هم ۶ ماه است حقوق نگرفتند.»

در بندر عسلویه هم صیادها گلایه و درخواست مشابهی دارند. علی اصغر دیداری در پژوهشی که درباره تأثیرات مهاجرت نیروی کار بر جوامع بومی و محلی منطقه عسلویه داشته، بعد از توجه به مواهب صنعتی شدن این منطقه و ایجاد اشتغال و پیشرفت‌های دیگر به دریاخواری و ساحل‌خواری توسط شرکت‌های نفت و گاز می‌پردازد و تخریب صیدگاه‌های بومیان، مهاجرت ماهی‌ها و دل‌سردی صیادان به دلیل کاهش صید و بسا رفتن بازارهای محلی.

تابستان امسال گرمای کنگان طاقت‌فرسا بود. «دریا جوشید، تمام ماهی‌ها و مرجان‌ها مردند. چیزی نماند، الان هم از بوی نفت و گاز خفه می‌شوند. یک مدتی هم نمی‌دانم این‌جا چه شده، همه پرندها و ماهی‌ها مردند. محیط زیست هم اعتراض کرد و گفت بیایید نامه امضا کنید»

تصویرهایی که ناخدا ابراهیم و حاج حسین می‌سازند و تصویرهای موبایل جاشو مثل فیلم‌های سینمایی‌اند، دریایی که ماهی‌های مسرده را از دلش بیرون می‌ریزد و آسمانی که از آن برنده می‌بارد.

ماهی‌ها این احوال حاج حسین و بسیاری از صیادان در ماه صفر صید و صیادان را تعطیل می‌کند. حاج حسین در این یک‌ماه صدمه کربانی می‌شود.

در روزهای بی‌صیدی رحمان لوج توی لنج روزگار می‌گذراند و شب‌ها در قمار (تافک ناخدا) می‌خواید. «آدم‌باروزی‌اش می‌چرخد»

میان آب و آتش

کنار ساحل خرده چوب‌های سوخته و بطری‌های پلاستیکی و فلزی با موج‌های کوتاه به بدنه لنج‌ها دیو و دیوان است. یکی خوردن و برمی‌گردند. غرق شدن و آتش گرفتن بیشترین حادثه‌های است که ممکن است در طول زندگی لنج‌ها اتفاق بیفتد. از زودتر به میرایی برساند. سال گذشته ۳۰ حادثه در آب‌های هرمزگان اتفاق افتاد، سال ۵۳، ۹۱ مورد سانحه داشتند و سال ۹۲ رقم حادثه به ۷۷ رسید.

۱۶ فروردین ۱۳۹۶، ۱۶۰۰ باری در رودخانه زهره خوزستان در آتش سوخت. ۱۶۰۰ میلیارد تومان خسارت در استان بوشهر هم هر ساله چند لنج طعمه آتش می‌شوند. آمار ۲۰۰۰ آذر بیشترین ۹۴ کشتی‌های اسکله بندر رستمی دالوار آتش گرفتند و ۱۰۰۰ تن سوخت. در مهر ۹۵ یک لنج در اسکله پارس عسلویه سوخت و غرق شد.

اول تابستان امسال در اسکله چند منظوره کنگان ۱۴ فروند لنج صیادی و سفراری آتش گرفت و ۱۰ آتش‌نشان و ملوان مصدوم شدند. سال پیش ۳۳ سانحه دریایی در استان بوشهر اتفاق افتاد. مرگ چهار نفر، جراحت ۲۴ نفر از بین رفتن ۱۲ فروند شناور.

هدایت‌الله خادمی، عضو کمیسیون انرژی به ایلاتا گفته «باید به لنج‌داران بابت سوخت تخفیف داد و دولت به جای ایجاد منطقه آزاد به فکر مردم ضعیف باشد. دولت باید از مشاغل که به صورت سنتی در ایران رواج دارد، حمایت کند. زیرا رواج کشور به نوعی است که نمی‌توان اشتغال ایجاد کرد.»

و اما معاون امور دریایی که می‌گوید: «تلفات انسانی به نسبت ماهه نخست سال قبل، ۴۰ درصد کاهش داشته». چراغی در شب صیادان و لنج‌داران روشن می‌شود. صیادانی که شب روی دریا می‌مانند و تور می‌اندازند، ساعت‌ها به صدای امواج گوش می‌سپارند و در نور چراغ قایق یا ماهتاب اگر باشند، به موج‌های رقصان نگاه می‌کنند و این ساعت‌های انتظار گاه به صبح می‌رسد. در این لحظه‌ها محمد رامان خپال در دریایی که تصویر بدن بی‌سر ملوان لنج باری را نمی‌کند.



رحمان از چهار ماهی‌گیران بوشهر است که در این تصویر دیده شده



لنج‌داران می‌گویند صیادان بوشهر در این تصویر دیده شده



لنج‌چسب است. مسافر آلوده‌ها را برای دریا رفتن نیست